

اقتصاد

روزنامه صبح ایران



«کی‌یف» زانو می‌زند؟

سرنوشت اوکراین در دستان ترامپ!

صفحه ۷



خبر مهم دولت برای سهامداران

خرید و فروش سهام عدالت تغییر می‌کند؟

صفحه ۵

اقتصاد ایران جان می‌گیرد؟

«مکانیسم ماشه» روی سر FATF

محدودیت‌های مالی مربوط به ایران است و می‌تواند اعتبار اقتصادی کشور را افزایش دهد. البته، تحقق این هدف مستلزم پذیرش پیش‌شرط‌های FATF از سوی ایران، شامل تصویب کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) و پذیرش نظارت‌های بین‌المللی است. با پیوستن ایران به FATF، امکان تسهیل مبادلات مالی با بانک‌های جهانی فراهم خواهد شد.

همچنین، سرمایه‌گذاران خارجی ممکن است تمایل بیشتری برای ورود به بازار ایران پیدا کنند. اما اختلافات داخلی، نگرانی‌های امنیتی، و مقاومت گروه‌های اقتصادی ذی‌نفوذ همچنان چالش‌زاست. کارشناسان هشدار می‌دهند که تا زمانی که تنش‌های بین‌المللی کاهش نیابد و سیاست‌های هسته‌ای کشور اصلاح نشود، تأثیر این عضویت بر اقتصاد واقعی محدود خواهد ماند.

شرح در صفحه ۵

انتصاب لاریجانی به عنوان دبیر شورای امنیت ملی بررسی شد	افزایش تصادفات با عقب‌ماندگی فرهنگی	قتل و اسیدپاشی به دلیل «نه گفتن»
حاکم شدن عقلانیت بر مراکز تصمیم‌ساز	وجدان اجتماعی در رانندگی	خشونت علیه زنان چرخی که هنوز می‌چرخد!
صفحه ۲	صفحه ۳	صفحه ۸

سخن نخست

بازگشت به تعادل؛ مسیر روشن فردا

یکی از قوانین بنیادی و جاودانه‌ی طبیعت، قانون تعادل است؛ قانونی که در تمامی ابعاد جهان، از کوچک‌ترین ذرات تا بزرگ‌ترین ساختارهای اجتماعی، جاری و برقرار است. تعادل نه تنها یک اصل فیزیکی، بلکه نمادی از عقلانیت و توازن در رفتارهای فردی و جمعی است.

یادداشت

بازبایی ثبات اقتصادی چگونه ممکن می‌شود؟

با فرض تشدید درگیری‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی، کشور وارد مرحله‌ای تازه و پیچیده از حکمرانی بحران خواهد شد؛ مرحله‌ای که نه‌تنها نیازمند بازسازی زیرساخت‌های فیزیکی، بلکه مستلزم بازبایی ثبات اقتصادی و بازآرایی سیاست‌های صنعتی است. تجارب جهانی و واقعیت‌های داخلی نشان می‌دهد که بدون یک نقشه‌راه جامع، فرایند بازسازی ممکن است به بازتولید بحران‌ها و نابرابری‌ها منجر شود. در همین راستا، دفتر مطالعات راهبردی رونق تولید دانشگاه امام صادق(ع) در گزارشی با عنوان «ارتقای تاب‌آوری اقتصاد و صنعت ایران در دوره پسانجگ»، مدلی منسجم برای مدیریت این دوران حساس ارائه کرده است که در ادامه به تشریح محورهای اصلی آن می‌پردازیم. سه ستون اصلی بازسازی: تاب‌آوری، شفافیت و مشارکت مدل پیشنهادی این گزارش بر سه ستون بنیادین استوار است:

۱. تاب‌آوری ساختاری: طراحی سیاست‌هایی که اقتصاد کشور را در برابر شوک‌های امنیتی، ارزی یا انرژی مقاوم سازد.
۲. شفافیت حکمرانی: ایجاد سازوکارهایی که تصمیم‌سازی و تخصیص منابع را در فضایی پاسخگو، داده‌محور و قابل‌نظارت قرار دهد.
۳. مشارکت چندسطحی: فعال‌سازی ظرفیت‌های دولت، بخش خصوصی، نهادهای عمومی و جوامع محلی در فرایند

یادداشت

وقتی «سرعت» بر «صحت» می‌تازد: آینده مبهم مطبوعات و روزنامه‌نگاری

کم حوصلگی مردم در عصر حاضر که حاصل رشد پرشتاب فناوری در عصر حاضر است، بر بسیاری از مقولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی ، سیاسی، آموزشی و حتی غذایی تأثیرات عمیقی گذاشته است.امروزه همه دوست دارند سریعتر به مقصد برسند؛ زودتر از مدرسه و دانشگاه فارغ التحصیل شوند؛ در کمترین زمان و بدون ورزش و رژیم لاغر ای چاق شوند؛ مذاکرات سریعتر به نتیجه برسد؛ غذا در کمتر از چند دقیقه حاضر شود؛ بدون سرمایه گذاری و تجارت، در بیست و چند سالگی پولدار شوند، پولدار که چه عرض کنم مولتی میلیاردر شوند؛ و در نهایت اگر کتاب یا مقاله ای زیر دست شان است، زود تر تمام شود! این کم حوصلگی عمومی بر جراید و نشریات هم سایه افکنده است و بسیاری از افراد جامعه از قشر های مختلف حال و حوصله خواندن یادداشت ها، مقالات و گزارش های تحلیلی و توصیفی ندارد. مصاحبه های شیرین، سرگزشت ها و بیوگرافی های خواندنی دیگر هواخواه چندانى ندارند. جزئیات هیجان انگیز صفحه حوادث روزنامه ها هم دیگر طرفدار ندارند و ... این ماجرا ربطی به زودگوار یا سهل

طراحی و اجرای بازسازی، این مدل با ترکیب تجارب موفق جهانی و اقتضائات خاص ایران طراحی شده و موفقیت آن به اراده سیاسی و هماهنگی نهادی وابسته است.

پنج گام عملیاتی در مدل بازسازی اقتصاد

این مدل سیاستی، پنج محور کلیدی و عملیاتی را برای دوران پسانجگ پیشنهاد می‌کند:
۱. بازنگری در سیاست صنعتی؛ تمرکز بر امنیت و فناوری
سیاست صنعتی ایران باید از وابستگی به کالاهای واسطه‌ای وارداتی عبور کرده و به سمت توسعه صنایع پیشرو در حوزه‌هایی مانند انرژی، تجهیزات زیرساختی، امنیت غذایی، فناوری اطلاعات و دارو حرکت کند. در این راستا، تقویت صنایع مستقر در مناطق مرزی برای ارتقای نقش اقتصادی مناطق آسیب‌پذیر، یک اولویت است.
۲. تأسیس نهاد ملی بازسازی؛ یک ستاد فرماندهی فرابخشی

تجربه جهانی نشان می‌دهد که در شرایط پسانجگ، یک نهاد متمرکز با اختیارات ویژه می‌تواند موتور محرک بازسازی باشد. پیشنهاد می‌شود «نهاد ملی بازسازی» زیر نظر ریاست‌جمهوری یا شورای عالی امنیت ملی تأسیس شود تا به‌صورت فرابخشی، سیاست‌ها را هماهنگ کرده و مسئول تخصیص بهینه منابع باشد. عملکرد این نهاد باید کاملاً شفاف و در معرض نظارت عمومی قرار گیرد.

۳. ابزارهای نوین تامین مالی؛ از اوراق مشارکت تا بانک بریکس

با توجه به محدودیت منابع دولتی، بازسازی باید از ترکیبی از منابع مالی داخلی و بین‌المللی بهره ببرد. انتشار اوراق مشارکت بازسازی در بورس، جذب هدفمند منابع صندوق توسعه ملی، سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای همسو و استفاده از ظرفیت نهادهایی مانند بانک توسعه بریکس و بانک زیرساخت آسیا (AIIB) از جمله راهکارهای پیشنهادی است.

۴. ایجاد مناطق ویژه بازسازی در نقاط مرزی و آسیب‌پذیر
این الگو تأکید دارد که مناطقی در استان‌های آسیب‌دیده یا دارای موقعیت ژئوپلیتیک خاص، به‌عنوان «مناطق ویژه بازسازی» تعریف شوند. این مناطق با برخورداری از معافیت‌های قانونی و اولویت در تخصیص بودجه، می‌توانند به قطب پروژه‌های تولیدی، زیرساختی و اشتغال‌زایی تبدیل شوند؛ الگویی که در توسعه چین و کره‌جنوبی نیز موفق بوده است.

۵. نظام ارزیابی شفاف و داده‌محور

هیچ سیاستی بدون سنجش و پایش قابل مدیریت نیست. این مدل، بر طراحی یک «نظام جامع ارزیابی بازسازی» تأکید دارد که شاخص‌های اقتصادی، صنعتی و اجتماعی را به‌صورت دوره‌ای و شفاف پایش کند. این نظام باید داده‌های به‌روز و قابل‌استرس تولید کرده و گزارش‌های منظم مملکرد

یادداشت

چند خاطره از دیدار هایم با استاد فرشچیان

به‌قلم: محمود اسعدی

در میان خیل عظیم هنرمندان و دانشمندان تنها برخی افراد نادر ؛ مجال و فرصت ویژه می یابند تا از استعداد و تجربه و مهارت خویش به نحو شایسته بهره برند و جامعه نیز ارج و اجر آنان را غنیمت شمرد. محمود فرشچیان، بی شک در زمره این بزرگان است. شخصیتی چند بعدی که قریب یک قرن زیست و در ایران و جهان پر آوازه شد و همواره ،همراه مردم ماند.اما ویژگی های این نحو منش و روش زندگی چیست و چه مختصاتی او را نزد اکثریت مردم پر ارج و احترام کرده است؟در خلال چند دهه آشنایی با ایشان بعضی صفات سلوکی و رفتاری استاد برجسته است:

۱. در سال ۱۳۷۹ وقتی جهت شرکت در رویداد چهره های ماندگار از ایشان خواستم در نخستین مراسم قدردانی از نخبگان شرکت کند؛ در خلال شرایط حضورش پرسید چه کسی قرار است نشان ای لوح تقدیر را به استادان بدهد؟ با شناختی که از روحیه و شخصیت استاد داشتم ؛ دانستم این سوال و پاسخ آن در رد یا قبول دعوت بسیار مهم و موثر است؛ تانی گفتم هر کس شما مالیکاید! لبخندی زد و گفت آقای اسعدی! شما هزار مهمان دعوت کرده اید و دهها استاد را برگزیده‌اید چطور برنامه تان را بهم می زنید؟گفتم مهم تامین نظر شمامست.بی تأمل گفت تازگی یک نوجوان که حافظ قرآن است را در تلویزیون دیده ام خیلی معصوم و بی ریاست رمیتوانی او را بیآوری؟ قول دادم وچندی برای یافتن جناب طباطبایی و رضایت او و دیگر صاحب منصبان تلاش کردم تا سرانجام پذیرفته شد که برای نخستین بار ،نوجوانی؛ پجای سران سیاسی، لوح سپاس استاد را تقدیم کند.

۲. روزی با استادان غلامحسین دینانی ،رضا داوری و محمدرضا حکیمی هماهنگ کردم تا در موزه و سرای چهره های ماندگار - که پس از مدتی متوقف و اکنون تعطیل شده- با استاد فرشچیان که تازه از نیویورک آمده بود ملاقات کنند؛ جلسه جالبی شد :هنرمند ،فیلسوف ،فقیه و ادیب یک جا جمع شدند و سخن ها گفتند که در فرصتی منتشر خواهد شد. هنگام تماشای آثار استاد فرشچیان در موزه ایشان صحبت از اثر «ضامن آمو» شد که دو بار توسط ایشان خلق شده بود، هر کس سخنی گفت و استاد حکیمی نیز زیر لب و با متانت زمزمه کرد : البته استاد این موضوع و روایت که دستمایه شما برای این اثر هنری شده، سند قابلی ندارد! انگار حضار در حسرت دیدارهای اینچنین و بین علما و هنرمندان و فیلسوفان در سالیان متمادی مانده بودند»

۳. مدتی نام «خلیج فارس» در محافل و رسانه ها محل بحث شده بود ؛ استاد طبق مرام خویش معمولاً به کار خود مشغول و از ورود به امور سیاسی پرهیز داشت اما در مورد تمامیت راضی و وطن؛ حساس بود.روزی در منزل خود در تجریش 'سندی از ارتش آمریکا را نشان داد که نام خلیج فارس چند بار ذکر شده بود .با شعف می گفت :ببین آنها خودشان هم قبول دارند خلیج فارس پیشینه تاریخی و تمدنی دارد.

۴. در خلال این سالها چند «مستند» از آثار و احوال این مرد بزرگ در ایران و آمریکا تهیه شد که من هم سهمی در تولید یکی از آنها داشته ام؛ تندیس ایشان نیز به سبک «مادام توسو» تهیه و بیش از ده سال پیش در «موزه و سرای چهره های ماندگار» رونمایی گردید ؛چند کتاب نیز در باره هنر استاد توسط سازمان یونسکو و برخی نهادهای جهانی و ایرانی انتشار یافته است که مراسم مختلفی در پاسداشت این بزرگمرد فرهنگ و هنر ایران بر پا شد که نشان از عظمت هنر و شخصیت زلال استاد فرشچیان دارد .
۵. اکنون که روح بلند استاد فرشچیان به ملکوت اعلی پیوسته، شایسته است که مراسم تشییع و ترحیم ایشان با شکوه تمام برگزار شود تا این نماد ملی و هنری در تحکیم همبستگی ایرانیان نیز سهیم گردد.خدایش رحمت کند.

به‌قلم: رضا موسایی / کارشناس اقتصادی



را برای اطلاع عموم منتشر سازد.

یک مدل جهانی، با سه فاز اجرایی برای ایران

اگرچه این مدل بر پایه تجارب جهانی طراحی شده، اما بومی‌سازی آن با توجه به چالش‌هایی چون تحریم، شکاف اعتماد عمومی و تمرکزگرایی نهادی ضروری است. از این رو، اجرای آن در سه فاز زمانی پیشنهاد می‌شود:

فاز اول (۳ تا ۶ ماه نخست): تمرکز بر تثبیت اقتصادی، راه‌اندازی نهاد ملی بازسازی و اجرای سیاست‌های حمایتی فوری.

فاز دوم (۶ تا ۱۸ ماه): اجرای پروژه‌های زیرساختی اولویت‌دار و فعال‌سازی مناطق ویژه بازسازی.

فاز سوم (۱۸ ماه به بعد): تثبیت حکمرانی نوین، گسترش سرمایه‌گذاری و ارتقای تاب‌آوری بلندمدت اقتصاد. جمع‌بندی: تبدیل بحران به فرصتی برای اصلاحات ساختاری

دوران پسانجگ، اگر با هوشمندی راهبری شود، تنها دوره‌ای برای جبران خسارت‌ها نیست، بلکه فرصتی تاریخی برای اصلاحات عمیق در ساختار اقتصادی و صنعتی کشور است. مدل سیاستی پیشنهادی، یک نقشه‌راه عملیاتی برای این گذار ارائه می‌دهد، اما تحقق آن در گرو اراده سیاسی، انسجام نخبگانی و مشارکت اجتماعی خواهد بود. در غیر این صورت، فرصت طلایی بازسازی می‌تواند به تهدیدی جدید برای آینده کشور بدل شود.

به‌قلم: وحید حاج سعیدی



هنر، نقاشی، موسیقی، سینما، روزنامه نگاری و ... افتخار می کرد و تمدن و پیشرفت یک دیار را بر اساس داشتن نمادهای تاریخی از هنر و روزنامه ارزیابی می‌شد.

اما امروز به مدد هوش مصنوعی و ذائقه اجتماعی کم‌رنگ و لعاب مردم، می‌توان در چند دقیقه یادداشت و سرمقاله نوشت؛ گزارش اجتماعی تهیه کرد؛ تیترو روتیترو و میان تیترو نوشت و تحویل سردبیر داد!

تیراژ نشریات به شدت افت کرده و کمتر کسی برای خرید نشریات هزینه می‌کند و عده‌ای از اینکه اخبار را در فضای مجازی و بدون پرداخت هزینه مستقیم رصد می‌کنند، خوشنود هستند. این ذوق زدگی از مرگ خاموش نشریات و توسعه بی‌حد و حصر خبرنگاری هیبریدی، اثرات جبران ناپذیری بر بدنه اجتماع و نگرش افراد آن خواهد گذاشت. بعد از حذف کتاب از سبد اجتماعی و فرهنگی خانوارها، نابودی نشریات و روزنامه‌ها زنگ خطری جدی یک بحران اجتماعی را به صدا در آورده است. بحرانی که تبعات اجتماعی آن شاید از کمبود آب و برق به مراتب بیشتر باشد، به هوش

خبرنگاری هیبریدی یاد می‌شود، در حال گسترش و توسعه است.

ماحصل این رویکرد انتشار انبوهی از اطلاعات و اخبار در زمانی بسیار کوتاه است که مخاطبان نه تنها قادر به تجزیه و تحلیل آنها نیستند، بلکه حتی فرصتی برای راستی آزمایی و تشخیص فیک نیزه‌ها از اخبار واقعی هم نخواهند داشت. شاید اگر در گذشته حجم زیادی از اطلاعات را به اقیانوسی بزرگ تشبیه می‌کردند، امروز باید از واژه کهکشانی از اطلاعات نام برد که نشان دهنده حجم بی‌پایان اطلاعات ریز حال و هوای تولید محتوی نیز در این رویکرد ناگفته پیداست و از سه عنصر سرعت، صحت و دقت، تنها عنصر سرعت مد نظر است و هر خبر در کمتر از ۲۰ ثانیه منتشر می‌شود!

شوریه‌خانه این دست خبرنگاری که نیاز به هیچ سابقه و پیشینه، تخصص، ممارست و تمرین در قلم زنی، گذراندن دوره‌های قدماتی و پیشرفته، کسب تجربه، مطالعه آثار بزرگان و مفاخر ادبیات و روزنامه نگاری ندارد و از آن به